



دومین چاپ از کتاب «قرآن قدس» منتشر شد

دومین چاپ از کتاب «قرآن قدس: ترجمه‌ای کهن از قرآن» با تصحیح دکتر علی رواقی، استاد نام‌آشنای زبان و ادبیات فارسی، به‌کوشش بنیاد موقوفات دکتر افشار منتشر شده‌است و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. قرآن قدس یکی از قدیمی‌ترین ترجمه‌های به‌یادگار مانده از قرآن کریم است که تنها نسخه دست‌نویس آن در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این ترجمه که به‌کوشش مترجمی ناشناس صورت گرفته، گنجینه‌ای از واژگان را در خود دارد که پروفیسور ژیلبر لازار، ایران‌شناس بزرگ و نامور فرانسوی، آن را پرتوی جدید بر چگونگی شکل‌گیری زبان فارسی توصیف کرده است. آن‌گونه که خبرگزاری تسنیم نوشته است رواقی در مقدمه این اثر درباره ارزش و اهمیت این ترجمه می‌گوید: متن‌هایی که از گذشته‌های دور در حوزه جنوب شرقی خراسان، حوزه سیستان تألیف شده و به دست ما رسیده است، از شمار انگشتان دو دست فراتر نمی‌رود. بر اساس دانش‌گونه و گویش‌شناسی و متن‌شناسی می‌توان ویژگی‌های زبانی برخی از حوزه‌های مختلف جغرافیایی سیستان قدیم را از همین کتاب‌های نه‌چندان پرشمار دریافت کرد و از همگونی‌ها و ناهمگونی‌های واژگانی و ساختاری و آوایی فراوان این متن‌ها آگاه شد. از میان این ترجمه‌ها، قرآن قدس که در یکی از حوزه جغرافیایی سیستان قدیم نوشته شده است، از داشته‌های واژگانی و ویژگی‌های ساختاری و آوایی بیشتری از زبان پهلوی، در سنجش با متون قرآنی دیگر برخوردار است که حتی در هیچ‌کدام از متن‌های دیگری که در این حوزه تألیف شده‌اند، نمی‌توان مجموعه‌ای از این ویژگی‌های زبانی را دید؛ از این رو ترجمه قرآن قدس بیش از دیگر کتاب‌های شناخته‌ای این حوزه جغرافیایی به سبب گستردگی به‌کارگیری واژگان و ساختارها و ویژگی‌های آوایی زبان پهلوی، توانسته است نگاه و نظر پژوهشگران و دانشمندان متن‌شناس را به سوی خود بکشانند.

در سومین جلسه کارگروه روز بزرگداشت فردوسی مطرح شد
۳ رویداد فرهنگی مهم در ۲ ماه آتی



سومین جلسه کارگروه روز بزرگداشت فردوسی با حضور علی‌داریابی، قائم مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی در محل دفتر معاونت میراث فرهنگی برگزار شد. این نشست با حضور اعضای کارگروه

حکیم توس برگزار و مهم‌ترین موضوع‌ها و برنامه‌های مرتبط با گرامی‌داشت این روز در ۲۵ اردیبهشت امسال در حضور قائم مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی کشور بررسی شد. به گزارش خبرگزاری ایبنا، قائم مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی در این باره اظهار کرد: موضوع فردوسی در انحصار هیچ دستگاهی نیست و همه برای کار با موضوع گرامی‌داشت فردوسی باید پای کار بیایند. ستاد احیای توس با حضور وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برگزار خواهد شد. دارای همچنین به برگزاری همایش دو روزه بزرگداشت حکیم توس در شهرهای مشهد و تهران اشاره کرد و افزود: همایش «حکیم توس» فقط یکی از ویژه برنامه‌های روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی است. برنامه‌های مختلفی در توس، تهران و سراسر کشور برگزار خواهد شد و شایسته است همه دستگاه‌ها برای بزرگداشت مقام فردوسی پای کار بیایند. سید جواد موسوی، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی نیز در این مراسم گفت: در فروردین و اردیبهشت سه رویداد مهم فرهنگی در استان داریم که ۲۵ فروردین روز بزرگداشت عطار، ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت فردوسی و ۲۸ اردیبهشت روز بزرگداشت خیام است که گرامی‌داشت این سه شاعر بزرگ، نیازمند توجه هرچه بیشتر است.



اولین مصوبات فرهنگستان برای اصطلاحات فوتبالی چه بود؟

«تاوان» به جای «پنالتی»

آیا می‌دانید سال‌ها پیش فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برای اصطلاحات رایج در رشته فوتبال جایگزین‌هایی را پیشنهاد کرده بود؟ ایسا نوشته است: فرهنگستان ایران که ازجمله وظایف آن «اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته‌های زندگانی با سعی در اینکه حتی الامکان فارسی باشد» بود. برای اصطلاحات فوتبال، برابرهایی زیر را برگزید که سال ۱۳۱۹ با امضای نخست وزیر وقت ابلاغ شد. برخی از این اصطلاحات از این قرار بوده است: «پیشرو» به جای «فوروارد»، «نگهبان» به جای «هاف‌بک» و «تاوان» به جای «پنالتی».

زین‌قنبر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

- ناوبر است ✖
- او می‌توانست در این دوره با توجه به داشته‌ها و توانایی‌هایش برای آینده‌اش تصمیم‌گیری کند.
- ویراسته ✔
- او می‌توانست در این دوره با توجه به داشته‌ها و توانایی‌هایش برای آینده‌اش تصمیم‌بگیرد.
- نکته ⚡
- وقتی می‌شود فعل مرکب «تصمیم‌بگیرد» را بنویسیم، چرا از ترکیب نادرست و پیچیده «تصمیم‌گیری کند» استفاده کنیم؟

#زین-قنبر_پارسی

شعر فلسطین، شعر زخم و گلوله

«ترانه‌های وطن و تبعید» پیشنهاد خوبی برای مطالعه در این روزهاست



انگشتان دو دست یا کمی بیشتر. علاقه‌مندان به ادبیات جهان، دوستداران شعر پایدار، استادان و دانش‌پژوهانی که به کار نقد و بررسی و ادبیات تطبیقی اشتغال دارند، از مخاطبان اصلی کتاب خواهند بود.

شعری را از سمیع القاسم، شاعر بزرگ فلسطینی که در این مجموعه به چاپ رسیده است با هم می‌خوانیم:

«ما برای مردن وقت نداریم
اگر کم شویم دشمنان ما افزون می‌شوند
برخیز
با دل و گام‌های چابک
به سمت ما برخیز!»



شعر دیگر هم ترجمه و به اشعار قبلی افزوده شد. این فرایند نزدیک به دو سال طول کشید و حالا همه این ۱۰ مجموعه شعر در یک کتاب دو جلدی به نام «ترانه‌های وطن و تبعید» جمع و منتشر شده است. در پشت جلد این کتاب نیز آمده است: شعر فلسطین شعر زخم است و گلوله؛ شعر دلدارانی که در غربت به هم می‌رسند، در فرودگاه‌ها و بندرها، در قهوه‌خانه‌ها و زندان‌ها، در پیاده‌روهای غریب، شعر دل‌تنگی برای میهن، میهنی که سرنیزه‌ها پیکرش را مشبک کرده‌اند. در شعر فلسطین نام‌ها فراوان‌اند، اما درخشان‌ها اندک، به شماره

گنجانده شده است. در ابتدای هر دفتر شعر نیز معرفی جامعی از شاعر و شرح گفت‌وگوی آن‌ها با منابع گوناگون آورده شده است. نکته جذاب درباره این اثر، همان‌طور که مرتجم به آن اشاره کرده، بسند کردن به ترجمه آثار دو شاعر به نام‌های محمود درویش و معین بسیسو است و اینکه از دیگر شاعران پراوازه این دیار جز ترجمه‌هایی پراکنده در دست نیست، اما این اثر می‌تواند مجموعه کاملی از اشعار شاعران این دیار را در اختیار مخاطب قرار دهد.

شعر دلدارانی که در غربت به هم می‌رسند بد نیست بدانید که پس از قرارداد دوباره با مترجم این کتاب، اشعار شاعران فلسطینی بازنگری و دو مجموعه

دو دهه ۷۰ بود که انتشارات سوره مهر، یک مجموعه هشت جلدی از اشعار شاعران مختلف فلسطینی را ترجمه و چاپ کرد که به شدت با استقبال علاقه‌مندان به شعر و ادبیات، مخصوصاً شعر پایدار، روبه‌رو شد. بعد از گذشت دو دهه و دو سال پیش از عملیات «طوفان الاقصی» که صدایش در کل جهان پیچید، این انتشارات دوباره به سراغ قفسه کتاب‌های چاپ شده‌اش رفت و برای بازنگری و چاپ دوباره این مجموعه دست به کار شد. کتابی که به نظر خوانش آن در این روزها و هم‌زمان با آخرین جمعه ماه رمضان که مژین شده است به نام روز قدس خالی از لطف نیست.

یک مجموعه کامل از اشعار شاعران فلسطینی «ترانه‌های وطن و تبعید» که موسی بیدج آن را گردآوری، تدوین و ترجمه کرده است، درواقع، در برگزیده سروده‌هایی از نام‌آوران شعر فلسطین است که ترانه‌های خود را در وطن و در تبعید سروده‌اند. این شاعران تمام عمر خود را در بازسازی آرمان خود و مردمشان سپری کردند. این اثر یک مجموعه دو جلدی است که در جلد اول آن پنج دفتر شعر از «عزالدین المناصره»، «معین بسیسو»، «محمود درویش»، «سمیع القاسم» و «توفیق زیاد» به چاپ رسیده است و در جلد دوم پنج دفتر شعر از «موسی حوامده»، «فدوی طوقان»، «احمد دخبوره»، «محمد علی شمس الدین» و «محمد القیسی»

درباره مجموعه «قصه‌های مجید» ساخته کیومرث پوراحمد، از موفق‌ترین اقتباس‌های سینمای ایران

«مجید» نوجوانی همه ما بود



به قصه‌ها داد به همین اندازه محدود نمی‌شد. او درباره تفاوت بنیادی کارش با نویسنده کتاب گفته است: تفاوت کار من با مرادی کرمانی این است که من از جزء به کل می‌روم و او از کل به جزء می‌آید. او مرادی کرمانی را نویسنده‌ای حرفه‌ای می‌داند که درک درست و واقع‌بینانه‌ای از مدیوم سینما و تفاوت‌هایش با ادبیات دارد و همین باعث می‌شده که نه تنها با تغییرات مخالفت نکند، بلکه همراهی هم بکند. «آن دوره‌ای که فیلم‌نامه‌های قصه‌های مجید را می‌نوشتیم گاهی می‌شد شب، نصفه شب ذوق زده می‌شدم از چیزی که در قصه‌ای بود و زنگ می‌زدم بهش و می‌گفتم این جور می‌کنیم، این تغییر را بدینم. این کار را را می‌کنیم و... و او همیشه با روی باز استقبال می‌کرد.»

«مجید» یک شخصیت ایرانی است

مرادی کرمانی در گفت‌وگویی با روزنامه ایران درباره تغییراتی که در قصه‌هایش داده شده گفته است: «سینما هنر گرانی است و مناسبات خاص خود را دارد و هر

فیلمی کم‌کم ۲۵ نفر دست‌اندرکار دارد. وقتی اثری مکتوب به فیلم بدل می‌شود یکی از مناسبات آن اقتصاد است. اینکه کجای آن گرفته شود تا از آن در بیاید. دلایل دیگری هم برای عوامل تولید، بدل به مسئله می‌شود، مثلاً در کرمان هیچ وقت نمی‌توانستیم زنی را پیدا کنیم که این قدر خوب بتواند جلوی دوربین بیاید. یا پسر بچه‌ای بود که



کیومرث پوراحمد در کنار مادرش که نقش «می‌بی» را در قصه‌های مجید بازی می‌کرد

نوجوانی در همان پاساژی که قسمتی را در آن ضبط کردیم، کار کرده بودم. او در جایی دیگری می‌گوید: «بعد از خواندن «قصه‌های مجید» اولین نکته‌ای که به مرادی کرمانی گفتم این بود که «قصه‌های مجید، قصه‌های همه ماست. اساساً رمز موفقیت و ماندگاری قصه‌های مرادی کرمانی در همین است. خطوط اصلی هر قصه به عنوان متنی برای خواندن این ویژگی شاخص را دارد که خواننده آن را قصه خود بداند. [...] برای من بخش مهمی از جذابیت ساختن فیلم براساس «قصه‌های مجید» این بود که محملی می‌یافتم تا قصه‌ها و خاطرات کودکی خود را هم بازسازی کنم و ناگفته‌ها، فصل حساس نوجوانی‌ام را بگویم و خلاص بشوم از بعضی گره‌خورده سالیان در گلو. از این بابت شدمیون هوشنگ مرادی کرمانی و قصه‌های او هستم و نیز از این بابت که جذابیت قصه‌های او و جان‌کنند من در تصویر آن‌ها دست به دست هم داد و فیلم‌های مجید نقطه عطفی شد در کارنامه حرفه‌ای من.»

دوری راه، نبود بازیگر در کرمان و کمبود لوکیشن‌های متنوع باعث شد که به جای کرمان قصه‌های مجید در اصفهان ساخته شود. و شناخت پوراحمد از شهر اصفهان و آشنایی نزدیک و عمیقش با فرهنگ و لهجه این شهر در عین حال سبب شود نتیجه کار واقعی‌تر شود. برای همین «مجید» اصفهانی می‌شود. البته تغییراتی که این کارگردان



هوشنگ مرادی کرمانی در کنار مهدی باقری یکی از بازیگر نقش مجید

قصه‌آشنایی که قابلیت به تصویر کشیده شدن داشت «قصه‌های مجید» آن ویژگی‌هایی که از نظر پوراحمد یک اثر داستانی برای اقتباس شدن باید داشته باشد، در خود داشت: «یک داستان خوب سینمایی، شما را به دنبال خودش می‌کشد و می‌گوید من را به فیلم تبدیل کنید. جذابیت داستان و تصویر خوب و می‌مایه آن تعیین می‌کند که این داستان می‌تواند فیلم بشود. از داستان‌های کوتاه هم می‌توان اقتباس کرد. اما رمان به اندازه کافی شاخ و برگ دارد و باید آن را هرس کنیم، رمان راحت‌تر می‌تواند فیلم شود چون جزئیات بیشتری دارد.»

قصه‌های «مجید» اثری بود که ساخت آن به پوراحمد پیشنهاد شد. او در این باره گفته است: «قصه‌های مجید سال‌ها در دستور کار گروه کودک شبکه یک بود، اما به هر دلیل به توافق نرسیده بودند. بعد از پیشنهاد به من، ۳۷ داستان قصه‌های مجید را خواندم و به این نتیجه رسیدم که این داستان‌ها بخشی از نوجوانی خودم است و حال و هوای مشترکی داشتیم و در واقع این حال و هوا و بن‌مایه قصه‌هاست که می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که یک اثر برای ساختن خوب است. یک سال طول کشید که از این قصه‌ها، فیلم‌نامه قصه‌های مجید را درآوردم و بخش‌هایی از نوجوانی خودم را به آن وارد کردم؛ بخش «خواب‌نما» که یکی از قسمت‌های قصه‌های مجید است. دقیقاً بعد از روز هفتم پدرم ساخته شد. به همین دلیل مرگ خیلی در این داستان نمود پیدا کرد و این رابطه عاطفی نیز بسیار مشهود است. تمام فیلم‌نامه‌هایی که در سال‌های پیش ساخته‌ام یا خودم بوده‌ام یا به مابه‌ازایی در اطرافیانم داشته است.»

پسرک کرمانی که اصفهانی شد پوراحمد پسرک کرمانی قصه‌های مرادی کرمانی را اصفهانی کرد. خودش در این باره در گفت‌وگویی با پادکست ابدیت و یک روز گفته است: «دیدم قصه‌های مرادی کرمانی قصه‌های من هم بوده است. [...] بچگی و نوجوانی من هم عین همان بچه‌ها [ی قصه‌های مجید] گذشته است. شاگرد خیاطی بودم و در